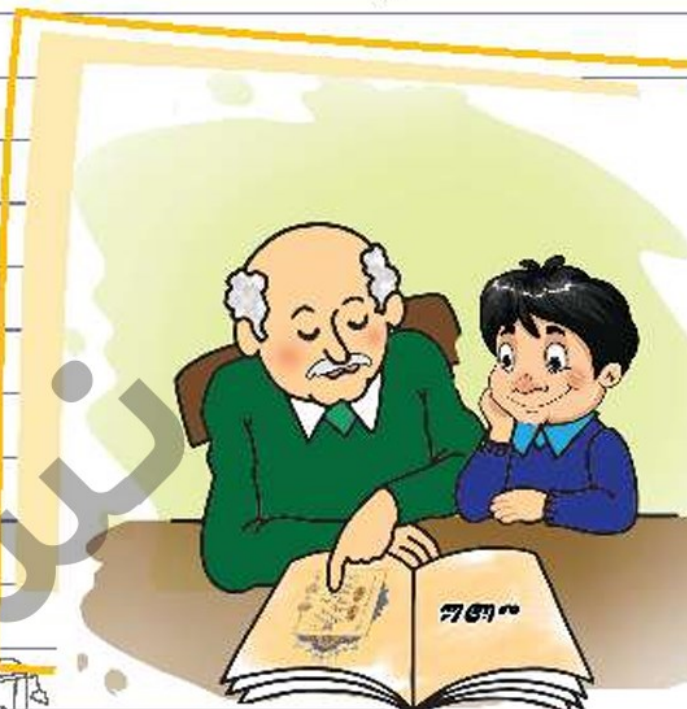


## درس دوازدهم

### «پیشینه‌ی سوادآموزی (آزاد)»

#### آموختنی‌ها

۱. معنی و مفهوم ابیات زلال و سیمرغ
۲. تفاوت مکان آموزش قدیم و جدید
۳. آشنایی مطالب درسی و نحوه‌ی آموزش در گذشته
۴. نقش معلم در مکتب‌خانه
۵. آشنایی با زلال، سیمرغ و سام در شاهنامه‌ی فردوسی



## جعبه کلمات

### کلمات مترادف

یزدان: پروردگار، خداوند	بی آزار: .....	بر فراز: بلندی، بر بالای
نکو: پسندیده، خوب و نیکو	شید: در خشان، خور شید، در خشنده	بامداد: سحر، بگاه، صبح زود
فره: چاق	بی همتا: بی نظیر، یکتا، یگانه	جفا: ظلم، بیداد، ستم
شیردل: دلیر، شجاع	جامه: تن پوش، پوشاک، لباس	در قبال: در برابر
عاقبت: سلامتی و آسایش	بهشت برین: بهشت آسمان	سر باز زدن: امتناع کردن
عاقبت: پایان کار، سرانجام	اطبا: .....	صحت: .....
کهن: گذشته، قدیم	موبدان: .....	مهر ببردن: .....
هرسبه: نوعی آش، حلیم، غذایی از گوشت و حبوبات		
مکتب‌خانه: محل آموزش، خانه‌ی آموزش		
سرزنش: نکوهش، ملامت، بازخواست کردن		
سبیرغ: مرغی افسانه‌ای که آن را پادشاه پرندگان دانسته‌اند.		

### کلمات متضاد

نهان  $\neq$  .....  $\neq$  ناامید .....  $\neq$  نکو  $\neq$  .....  
 اعجاز، .....  $\neq$  معالجت، .....

### کلمات هم‌خانواده

اطبا، .....  
 اعجاز، .....  
 معالجت، .....

### کلمات هم معنی

یزدان - پروردگار، خداوند	شید - خورشید
نکو - پسندیده، خوب و نیکو	بی همتا - بی نظیر، یکتا، یگانه
فره - چاق	جامه - تن پوش، پوشاک، لباس
شیردل - دلیر، شجاع	بهشت برین - بهشت آسمان
عاقبت - سلامتی و آسایش	اطبا - طبیبان، پزشکان
عاقبت - پایان کار، سرانجام	موبدان - روحانیون زرتشتی
کهن - گذشته، قدیم	بر فراز - بر بلندی، بر بالای
هرسبه - نوعی آش، حلیم، غذایی از گوشت و حبوبات	بامداد - سحر، بگاه، صبح زود
مکتب‌خانه - محل آموزش، خانه آموزش	جفا - ظلم، بیداد، ستم
سرزنش - نکوهش، ملامت، بازخواست کردن	در قبال - در برابر
سبیرغ - مرغی افسانه‌ای که آن را پادشاه پرندگان دانسته‌اند	سر باز زدن - امتناع کردن
عَمَّ جَزَوْ - به جزوهای از سوره‌های کوچک قرآن، که در مکتب‌خانه‌ها تدریس می‌شد.	صحت - سلامتی
بی آزار - بدون آزار و زحمت دادن	مهر ببردن - محبت و مهربانی را دریغ کردن، بی‌علاقه شدن

### کلمات مخالف

نهان $\neq$ آشکار	نکو $\neq$ زشت
ناامید $\neq$ امیدوار	

### کلمات هم‌خانواده

اطبا، طبیب، طب، طبابت	معالجت، علاج، معالج
اعجاز، عجز	

کلمات هم معنی و هم خانواده و مخالف حفظ شود.

به چهره، نگو بود بر سان شید و لیکن همه سوی، بودش سپید

از نظر چهره، مثل خورشید زیبا بود ولی همدی موهایش، سر تا پا سفید بود.

چو فرزند را دید، مویش سپید بشد از جان، یکسره نالید

سام هنگامی که دید موی فرزندش، همه سفید است، دیگر به کئی از زندگی ناامید شد.

چو آیند و پرسند، کردن کشان چه گویم از این بچی بد نشان؟

سام با خود گفت: اگر بزرگان و پهلوانان بیایند و از من پرسند، در مورد این کودک عیبناک چه گویم؟

چه گویم که این بچی دیو، کیست پلنگ دو رنگ است یا خود پری است

چه گویم که این دیو زاده کیست؟ یا اینکه پری زاده است؟

بخشد بر من، همان جان از این بچه، در آشکار و نمان

بزرگان دنیا، به خاطر این بچه، پنهان و آشکار، مرا مسخره می کنند و به من می خندند.

یکی کوه، به نامش البرز کوه به خورشید نزدیک و دور از گروه

کوهی بود که نامش (البرز) بود. این کوه، از بلندی بسیار به خورشید می رسید و از مردمان دور افتاده بود.

بدان جای، سیرغ را لانه بود که آن خانه از خلق، بیگانه بود

سیرغ در آن جا لانه داشت و مردم از لانه اش بی خبر بودند.

نهادند بر کوه و گشتند باز برآمد بر این، روزگاری دراز

بچه را پای کوه گذاشتند و بازگشتند. زمان زیادی از این موضوع گذشت.

پدر، مهر بیرید و بگفتند خوار چفا کرد بر کودک شیرخوار

پدر (سام) پیوند و علاقه اش را به فرزند قطع کرد و او را به خواری رها کرد و به آن طفل شیرخوار ستم روا داشت.

بدین گونه بر، روزگاری دراز برآمد که بد کودک آنجا به راز

زمان درازی بدین گونه گذشت و در این مدت، کودک در آن جا از همه پنهان بود.

همان گه، بیایم چو ابر سیاه بی آزارت آم، بدین جایگاه

همان زمان مانند ابر سیاه خواهم آمد و بدون اینکه آسیبی ببینی تو را به همین جا خواهم آورد.

دل سام شد چون بهشت برین بر آن پاک فرزند، کرد آفرین

دل سام از خوشی مانند بهشت خرم شد و بر آن فرزند پاک، دعا کرد و درود فرستاد.





### پیشینه‌ی سواد آموزی

در تهران قدیم، قبل از تأسیس مدارس به شیوه‌ی جدید، دانش‌آموزان از شش سالگی باید در مکان‌هایی به نام «مکتب‌خانه»، خواندن و نوشتن را فرا می‌گرفتند. اما به دلیل سخت‌گیری فراوان، بیش‌تر دانش‌آموزان از رفتن به «مکتب‌خانه» سر باز می‌زدند. دو نوع مکتب‌خانه وجود داشت. یکی «خصوصی»، که مخصوص ثروتمندان و اعیان بود و دیگری «عمومی»، که همه‌ی مردم فرزندان‌شان را به آن‌جا می‌فرستادند. مکتب‌داران خیلی سخت می‌گرفتند و دانش‌آموزان هم شیطنت‌هایی می‌کردند و بالاخره تنبیه می‌شدند. درس‌هایی که در مکتب‌خانه تدریس می‌شد، عبارت بود از: خواندن و نوشتن حروف الفبا و در سال دوم به آن‌ها جزوه‌ای از سوره‌های کوچک قرآن (عَمَّ جُزْؤ) آموزش داده می‌شد. در سال‌های بعد هم کتاب قرآن، گلستان سعدی، جامع عباسی و... تدریس می‌شد. همچنین معلّم مکتب‌خانه مکلف بود تا شاگردان خود را با معارف دینی و مذهبی آشنا کند. معلّمان مکتب‌خانه از بچه‌ها انتظار داشتند در قبال آموزش‌هایی که به آن‌ها می‌دادند، فرمان آن‌ها را اجرا کنند. مانند: جارو کردن دکان و اتاق مکتب‌خانه، پر کردن کوزه آب‌خوری و ...

**درنا:** برنا هیچ می‌دونی پدربزرگ خیلی باسواده؟

**برنا:** چطور؟

**درنا:** قرآن رو خیلی روان و زیبا می‌خونه و کتاب مشوی مولوی و شاهنامه و... را هم عالی

**برنا:** آخه چه جوریه؟ در قدیم که مدرسه‌ها مثل الان نبود! بهتره از خودش بپرسیم.

پدربزرگ با لبخند خلاصه‌ای از آموزش در مکتب‌خانه را برای بچه‌ها تعریف کرد.

امروزه کودکان قبل از مدرسه به مهد کودک، سپس به پیش‌دبستانی و بعد از آن به دبستان می‌روند و در آنجا سواد می‌آموزند. اما در گذشته بچه‌ها به «مکتب‌خانه» می‌رفتند و در آن‌جا با قوانین خاصی به آموختن می‌پرداختند. البته در آنجا کتاب‌های مهمی مثل گلستان سعدی، قرآن و... آموزش داده می‌شد و بچه‌ها مهارت‌های مهم زندگی را در کنار هم می‌آموختند.

## املا دان

یکی از راه‌های تقویت املا، کامل کردن بند یا قسمت‌هایی از درس است که کلماتی از آن جا افتاده است. از بزرگتر خود بخواه  
قسمتی از درس را بنویسد و کلماتی که ارزش املائی دارد را جا بگذارد و از شما بخواهد آن‌ها را بنویسی.  
متن حکایت (بوعلی و بانگ گاو) را بخوان و سپس کلمات جا افتاده در حکایت را در جاهای خالی بنویس.

تصوّر

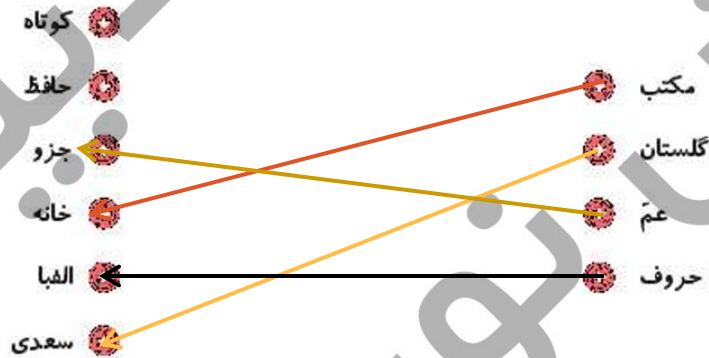
بانگ

یکی از بزرگان، بیمار شده بود، چنان که ..... می‌کرد، گاو شده است. پس همه روز،  
می‌کرد. و این و آن را می‌گفت: «مرا بکشید که از گوشت من هریسه نیکو آید.  
کار او به درجه‌ای بکشید که هیچ نمی‌خورد و . . . . . اطبا در معالجت عاجز ماندند. سرانجام خواجه  
ابوعلی سینا را آوردند تا او را . . . . . کند.

علاج

## تمرین

۱ هر کلمه را به قسمت دوم آن وصل کن. (دو گزینه اضافی است.)



۲ درست است  و نادرستی  جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: در مکتب‌خانه علوم فیزیک و شیمی تدریس می‌شد.

ب: سختگیری یکی از دلایل سربلند شدن مکتب بود.

پ: در مکتب‌خانه فقط خواندن و نوشتن آموزش داده می‌شد.

۲ کلمه‌های هم‌معنی را در جاهای خالی و کنار هم بنویس.

شیطنت - در قبال - مکلف - بازیگوشی - در برابر - موظف

مکلف = موظف

در قبال = در برابر

شیطنت = بازیگوشی

۴ جمع هر کلمه را از متن درس پیدا کن و بنویس.

دانش آموز

معلم

مکتب دار

ثروتمند

فرزند

دانش آموزان

معلمان

مکتب داران

ثروتمندان

فرزندان

۳ جمله

۵ در بیت زیر چند جمله وجود دارد؟

«چو آیند و پرسند، گردن کشان چه گویم از این بچه‌ی بد نشان؟»

زال

۶ در داستان زال و سیمرغ (دستان) نام چه کسی بود؟

شاهنامه

۷ شاهکار (فردوسی) شاعر بلند آوازه‌ی ایران، کدام کتاب است؟

منظور از عبارت « سر باز زدن از کاری ، یعنی چه؟

۸

یعنی نافرمانی و سرکشی کردن

مفهوم بیت زیر را بنویس.

۹

«چه گویم که این بچه‌ی دیو، کیست      پلنگ دو رنگ است یا خود پری است»

چه بگویم که این دیوزاده کیست؟ یا اینکه پری زاده است؟

خلاصه‌ی داستان (زال و سیمرغ) را بنویس و نام جدیدی برای آن پیدا کن.

۱۰

پاسخ آزاد است.

با توجه به سؤالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را مشخص کن.

الف: در قدیم دو نوع مکتب وجود داشت:

(۱) کوچک- بزرگ

(۲) سخت- آسان

(۳) جدید- قدیم

(۴) خصوصی - عمومی **×**

ب: به جزوه‌ی سوره‌های کوچک قرآن ..... می گفتند.

(۱) کتاب کوچک

(۲) عم جزو **×**

(۳) معارف دینی

(۴) کتاب‌های مذهبی

پ: مکتب‌خانه ..... مدرس تأسیس شد.

(۱) پیش از **×**

(۲) بعد از

(۳) پس از

(۴) هم‌زمان

ت: با توجه به داستان «زال و سیمرغ»، کدام گزینه درست است؟

(۱) مادر زال برای سام خیر آورد که فرزندش موهای سفید دارد.

(۲) زال به خواب دید که سواری آمد و مژده داد که پسرش تندرست است.

(۳) خاندان سام اندوهگین شدند و تا یک هفته جرأت نکردند خیر را به او بدهند. **×**

(۴) پدرش از کوه بالا رفت و با سختی بسیار او را از لانه‌ی دور از دسترس سیمرغ فرود آورد.

ث: کدام ضرب‌المثل یا سخن حکیمانه با موضوع حکایت «بوعلی و بلنگ گاو»، ارتباط بیشتری دارد؟

(۱) دست بالای دست بسیار است.

(۲) هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد.

(۳) عقل سالم در بدن سالم **×**

(۴) جوینده، یابنده است.

ج: تعداد جملات کدام گزینه کمتر است؟

(۱) بدین گونه بر روزگاری دراز برآمد که بُد کودک آنجا به راز

(۲) بخندند بر من مهان جهان از این بچه در آشکار و نهان **×**

(۳) دل سام شد چون بهشت برین بر آن پاک فرزند کرد آفرین

(۴) همان گه بیایم چو ابر سیاه بی آزارت آرم بدین جایگاه



شغالی به درون حُسم<sup>۱</sup> رنگ آمیزی رفت و بعد از ساعتی بیرون آمد، رنگش عوض شده بود. وقتی آفتاب به او می‌تابید رنگ‌ها می‌درخشید و رنگارنگ می‌شد. سبز و سرخ و آبی و زرد و ... شغال مغرور شد و گفت: من طاووس بهشتی‌ام، پیش آن‌ها رفت و مغرورانه ایستاد. دیگر شغال‌ها پرسیدند: چه شد که مغرور و شادکام هستی؟ غرور داری و از ما دوری می‌کنی؟ این تکبّر<sup>۲</sup> و غرور برای چیست؟ یکی از شغال‌ها گفت: ای شغالک<sup>۳</sup> آیا مکر و حيله‌ای در کار داری؟ یا واقعاً پاک و زیبا شده‌ای؟ آیا قصد فریب مردم را داری؟

شغال گفت: در رنگ‌های زیبای من نگاه کن، مانند گلستان صد رنگ و پر نشاط هستم. مرا ستایش کنید و گوش به فرمان من باشید. من افتخار دنیا و اساس دین هستم. من نشانه‌ی لطف خدا هستم. زیبایی من تفسیر عظمت خداوند است، دیگر به من شغال نگویند. کدام شغال این قدر زیبایی دارد؟ آن‌ها دور او جمع شدند، او را ستایش کردند و گفتند: «ای والای<sup>۴</sup> زیبا، تو را چه بنامیم؟» گفت: «من طاووس تر هستم.» شغال‌ها گفتند: «آیا صدايت مثل طاووس است؟» گفت: «نه نیست.» گفتند: «پس طاووس نیستی. دروغ می‌گویی. زیبایی و صدای طاووس هدیه‌ی خدایی است. تو از ظاهر سازی و ادعا به بزرگی نمی‌رسی.»

«شکری - دفتر سوم»

الف: چه چیز باعث شد شغال فکر کند یک طاووس است؟

وقتی که در کوزه رنگ آمیزی افتاد و رنگارنگ شد و فکر می‌کرد که زیبا شده است.

ب: سایر شغال‌ها چه سؤالاتی از شغال داستان پرسیدند؟

تو را چه بنامیم؟ آیا صدايت مثل طاووس است؟

۱. حُسم: کوزه

۲. تکبّر: بلند مرتبه

۳. شغالک: شغال بی‌ارزش

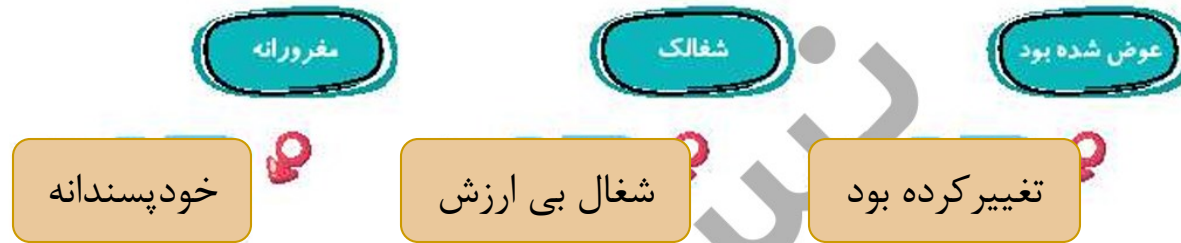
۴. والای: خودپسندی

## علوی

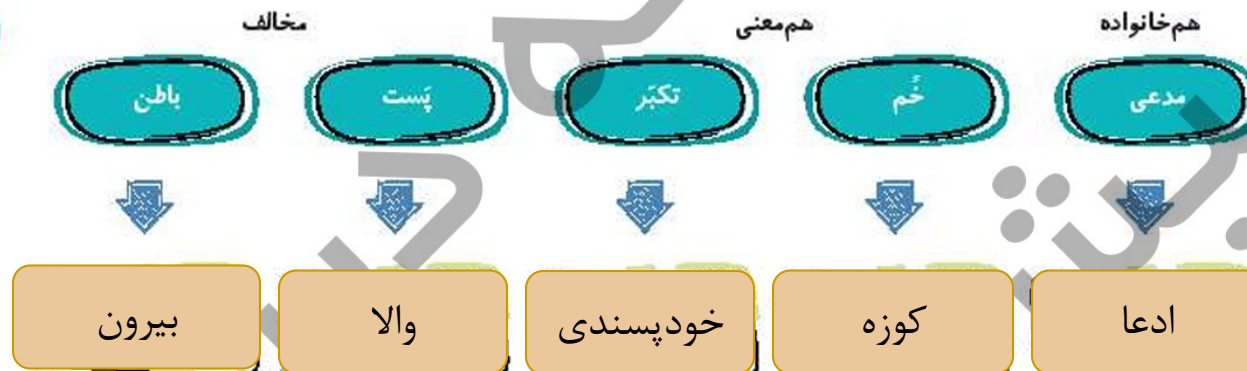
پ: علت اینکه سایر شغال‌ها به شغال داستان صفت «دروغ‌گو» را نسبت دادند چه بود؟

اینکه زیبایی و صدای طاووس که هدیه‌ی خدایی بود را نداشت.

ت: منظور از کلمه‌ها و عبارات زیر، در داستان چیست؟



ث: جاهای خالی را با کلمه‌های داستان کامل کن.





پخوان و پشعانس

## شاهنامه

شاهنامه اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی (بیش از پنجاه

هزار بیت) یکی از بزرگترین و برجسته‌ترین سروده‌های

حماسی جهان است که سرایش آن سی سال کار پیوسته‌ی

این سخن سرای نامدار ایرانی است. موضوع این شاهکار ادبی، افسانه‌ها و تاریخ ایران می‌باشد.

فردوسی، با سرودن شاهنامه با ویژگی‌های هدفمندی که داشت زبان پارسی را زنده و پایدار کرد

